

تقسیم کار جنسیتی

نویسنده: ناصر مالیار

چکیده

از دید تاریخی تقسیم کار مبتنی بر جنسیت بوده و فعالیت‌های اقتصادی نقش پررنگ تری را در تقسیم کار جنسیتی بازی نموده است. این پدیده نه تنها تمایزات شغلی را سبب شد؛ بلکه نابرابری‌های جنسیتی را در حوزه کار وارد ساخت و مسبب بسیاری از معضلات نیز گردید؛ بنابر این جامعه‌شناسان، فمینیست‌ها و سرمایه‌داران هر یک نظریاتی پیرامون این موضوع بیان نموده‌اند و علت تقسیم کار را موافق به حوزه کاری‌شان بررسی کردند؛ از طرف دیگر دیدگاه ادیان به ویژه اسلام نسبت به اشتغال زنان نیز تأثیراتی بر جنسیتی شدن کار وارد کرد. نظام آموزشی هر جامعه به طور مستقیم و غیر مستقیم برای ایجاد و حفظ و تداوم این موضوع نیز نقش دارد. در مورد افغانستان هم ما شاهد تقسیم کار جنسیتی بسیار شدید هستیم که این تقسیم کار جنسیتی به شکل نابرابر در جامعه افغانی رواج دارد.

کلمه‌های کلیدی: جنسیت، تقسیم کار، زنان، اقتصاد، فمینیست، اشتغال، خانواده

مقدمه

تقسیم کار و همکاری مؤثر دسته جمعی و مجموع وظایفی که اجرای آن برای نیل به هدف معینی لازم است باید به نحوی با رعایت امکانات، هماهنگی و کنترل بین افراد مختلف سازمانی تقسیم گردد تا بتوان از تکرار و یا تداخل وظایف جلوگیری شود. اولویت اول، در تشکیل سازمان، تقسیم کار می‌باشد. تقسیم کار بر اساس جنس به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها وظایف بر اساس جنس افراد تقسیم شده است. از آنجایی که کار از فعالیت‌های عمده عصر کنونی و گذشته را تشکیل می‌دهد، تقسیم کار نیز ریشه ناگسستی در فعالیت‌ها و کارکردهای انسان دارد. در جوامع ابتدایی نوعی تقسیم کار وجود داشت؛ چنانچه زن‌ها مشغول کارهای نسبتاً سبک و درونی مانند کار خانه، جمع آوری مواد غذایی، کار در زمین‌های کشاورزی و مردها مصروف کارهای سنگین و بیرونی مانند شکار یا مراقبت از اعضای خانواده بودند.

این پدیده تاریخی (تقسیم کار) تأثیرات مثبت و یا منفی بر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی خانواده گوی به جا گذاشت و طی همین فرآیند جنسیت نیز آگاهانه یا ناآگاه در این فعالیت‌ها اثرگذار بوده است. زمانی که زنان به اشتغال روی آوردند به کارهایی دست یازیدند که کاملاً متفاوت با کارهای مردانه بود. کار زنان نسبت به مردان، هم دستمزد کمتری داشت و هم از لحاظ اجتماعی در درجه پایین قرار داشت. همچنان کار زنان را به نوعی از قید بند‌های سنتی و مرد سالاری‌هایی بخشید. زنان سرپرستی خانواده را برعهده گرفتند؛ زیرا زمانی که مردها برای شکار یا به مسافرت طولانی می‌رفتند سرپرستی خانواده به دوش زن‌ها بود که این روند تا زمان انقلاب کشاورزی ادامه یافت؛ بنابراین تقسیم کار جنسیتی در عصر کنونی در همه حوزه‌ها به وضوح مشاهده می‌شود؛ طوری که هیچ عرصه‌ای را نمی‌توان یافت که عاری از این فرآیند باشد. امروزه زنان به کارهایی در کنار مردان می‌پردازند که در گذشته هیچ زنی حق آن را نداشت.

دیدگاه تاریخی در باره تقسیم کار

در طول تاریخ، مردان و زنان در تولید و باز تولید اجتماع پیرامون خویش نقش داشته اند، هم در سطح فعالیت های روزمره و هم در جریان دوره های طولانی زمانی؛ اما ماهیت این همراهی و شراکت و توزیع مسئولیت های آنها در طول زمان شکل های مختلفی به خود گرفته است، تا همین اواخر، کار با مزد در کشورهای غربی عمدتاً در قلمرو مردان بود تا اینکه در همین چند دهه گذشته این وضعیت از بیخ و بن دستخوش تغییر شد. امروزه زنان بیشتری وارد نیروی کار شده اند. بین ۳۵ تا ۶۰ فیصد زنان شانزده تا شصت ساله در اکثر کشورهای اروپایی بیرون از خانه مشاغل درآمدزا دارند. (آنتونی گیدنز؛ ۱۳۸۹: ۵۶۰). برای اکثریت بزرگی از جمعیت جوامع ماقبل صنعتی و بسیاری از مردم جهان در حال توسعه، فعالیت های مولد و فعالیت های خانه داری از هم جدا نبود. تولید یا در خانه یا جایی نزدیک به خانه انجام می شد و همه اعضای خانواده در کار روی زمین یا صنایع دستی مشارکت داشتند و زنان اغلب در خانه و خانواده زیاده تر نفوذ داشتند.

زنان بیه معمولاً صاحب کسب و کار خارج خانه بودند؛ زیرا آنها نان آور خانواده های خود محسوب می شدند. مدرن شدن و توسعه صنعت باعث جدایی کار خانه و کار بیرون منزل شد و تغییرات عمده در این رابطه به وجود آمد که علت مهم این نوع تغییرات، صنعتی شدن و به وجود آمدن ماشین آلات بود؛ طوری که قبلاً کار توسط دست و بازوی اشخاص انجام می شد؛ ولی با آمدن ماشین آلات تأثیر عمده یی بر زنانه گی مردم وارد گردید که با گذشت زمان و پیشرفت صنعت بین کار خانه و محل کار اشخاص جدایی به وجود آمد و به گونه یی مردان به کار های بیرون از منزل مانند سیاست، تجارت و کار های بازار و زنان بیشتر بر کارهای خانه تمرکز نمودند. (سفری و ایمانیان؛ ۱۳۹۲: ۸۹).

رشد فعالیت های اقتصادی زنان

در قرون جدید به خصوص بعد از گذشت تحولات وسیع، مشارکت زنان در نیروی کار مزدبگیر به صورت کم و بیش پیوسته افزایش یافت. یکی از عوامل عمده این تحول، کمبود نیروی کار در جریان جنگ جهانی اول و دوم بود. در سال های جنگ، زنان شغل های

زیادی را بر عهده گرفتند که پیش از آن در قلمرو و انحصار مردان بود. مردان پس از بازگشت از جنگ دوباره اکثر آن شغل‌ها را واپس گرفتند؛ اما الگوهای قبلی درهم شکسته شده بود. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، تقسیم کار جنسیتی به نحو چشمگیری تغییر یافت. اگر در سال ۱۹۴۵ میلادی زنان فقط ۲۹ فیصد نیروی کار را تشکیل می‌داد، به ۴۵ فیصد رسید. در سال ۱۹۹۷ بیش از ۷۵ درصد زنان بیست و پنج تا چهل و چهار ساله بریتانیایی از لحاظ اقتصاد فعال به کار درآمدزا اشتغال داشتند یا در جست وجوی کار بودند. مطابق آمار موجود ۶۰ درصد از زنان متأهل که کودکانی زیر سه سال دارند اکنون شاغل اند. این ارقام در میان مادران تنها، بسیار کم است و فقط ۳۶ درصد از مادران تنها که کودکانی زیر سن ابتدایی دارند، به کار مصروف اند (آنتونی گیدنز؛ ۸۹۱۳: ۵۶۲)؛ اما در کشور های آسیا به نسبت اروپا پایگاه اقتصادی مردان نسبت به زنان بیشتر است. همچنان افغانستان که از جمله کشورهای جهان سوم می‌باشد آهنگ پیشرفت اقتصادی زنان بسیار کند می‌باشد و مردم به گونه‌ی زنده گی می‌نمایند که تقسیم کار مانند زمان قدیم و بیشتر نوع حاکمیت پدر سالاری و مرد سالاری است که این عامل از موانع اصلی پیشرفت این کشور محسوب می‌شود. این موضوع بیشتر مربوط است به جنگ‌های چندین دهه که مانع هر نوع تغییرات در زندگی اجتماعی مردم شده است و هنوز هم زنده گی خانواده‌ها به شکل پراکنده سنتی است نه هسته‌ی. در دهه اخیر با کم تر شدن جنگ‌های داخلی تا حدودی در نوع تقسیم کار جنسیتی تغییرات محدودی ایجاد شده است. همچنان با به وجود آمدن ماشین‌ها در بخش‌های مختلف، کار خانه نسبت به گذشته برای زنان کمتر می‌باشد که برای زنان این امکان میسر شده است که به کار های بیرون منزل بیشتر روی آورند و وقت بیشتری برای فعالیت‌های مختلف داشته باشند. (آبوت؛ ۱۳۹۲: ۹).

جنسیت و نابرابری در کار

زنان به رغم برخورداری از برابری رسمی با مردان، هنوز نابرابری‌هایی را در بازار کار تجربه می‌کنند و هنوز هم هسته این فاصله بین دو جنس کم نشده است و نابرابری‌هایی علیه زنان در دنیای کار امروز هم وجود دارد؛ مانند تفکیک شغلی، تجمع در اشتغال با مردان و مزد کم. همچنان در دوران حکومت طالبان زنان از هر نوع حقوق بشری خود محروم بودند تا

جایی که حقوق ابتدایی شان زیر پا می‌شد؛ اما با گذشت چندین سال هم از سقوط طالبان زنان همواره از حقوق خود محروم اند؛ مانند نادیده گرفتن استعداد زنان شاغل به وسیله مردان، بیشتر مصروف شدن زنان به کارهای کم درآمد، جنسیتی شدن شغل‌ها و نظایر آن؛ از اینرو فقط زنان به کارهایی مانند پرستاری، بچه داری، مدکاری و غیره مصروف اند و بیشتر کارها مردانه اند. مسأله بعد این است که زنان نمیتواند کارهای تمام وقت داشته باشند؛ زیرا زایمان، بچه داری و کارخانه مانع پیشرفت یا فعالیت بیشتر زنان در جامعه می‌شود. همچنان زنان نسبت به مردان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند؛ مثلاً زنان عمدتاً مشاغل خانگی و دفتری یکنواخت و تکراری دارند؛ درحالی که مردان کارهای ماهرانه و نیمه ماهرانه را برعهده دارند. با تحویل نقش زنان بعد از سقوط طالبان این رقم تا حدودی تغییر کرد و با ورود کشور های خارجی و روابط با سازمان حقوق بشر وضعیت زنان هم تغییر کرد و سهم بیشتری در کار بیرون منزل را برعهده گرفتند. افغانستان در رده صنعتی شدن بسیار آرام پیش می‌رود. تأثیرات صنعتی شدن در جامعه مدرن بر معیارها و ارزش‌های اجتماعی و نقش زنان اثر گذاراند. برای اولین بار تغییراتی در قرن نوزدهم و زمانی که هزینه های خانواده های بزرگ و حتی کوچک بسیار بالا رفته بود به میان آمد. برای همین کوشش زیادی برای جلوگیری از بارداری صورت گرفت؛ ولی زنانی وجود داشت که سرپرست خانواده های بزرگی بودند و در کنار آن باید به نوزاد خود شیر دهند و هم کارخانه را انجام دهند و از روی ناچاری به کار بیرون از خانه هم بپردازند. (آبوت پاملا؛ ۱۳۸۰: ۴۶)

تحول نقش زنان

در سراسر تاریخ انسان‌ها، وظیفه بیشتر زنان عبارت بوده از بارداری در سال‌های جوانی، پرستاری از نوزادان و مراقبت از آنها به هنگام بیماری و پرورش آنها؛ ولی نخستین نشانه های تغییر وضع زنان در قرن نوزدهم و از زمانی پدیدار گشت که هزینه های خانواده بزرگ بر منافع اش چربیدن گرفت. کوشش‌هایی که برای کاهش بارداری صورت می‌گرفت به زودی با نوآوری‌هایی در زمینه تنظیم موالید تقویت شد. با این وصف، در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زن متوسط هنوز تولید کننده خانواده بزرگ بود، هنوز نوزادانی داشت که

می‌بایست تغذیه آن‌ها را به طور درازمدت با شیر خود تأمین کند، هنوز مراقبت کامل از کودکان و خانه را بر عهده داشت و در بعضی موارد ناچار بود به کار خارج از خانه هم بپردازد. نخستین نهضت‌های زنانه در جامعه‌های غربی، به همت و رهبری با فرهنگ‌ترین، آسوده‌ترین و مرفه‌ترین زنان طبقات بالا پایه‌ریزی شد، هدف آن‌ها در وهله نخست چیزی نبود جز کسب بعضی حقوق و اختیارات قانونی برای زنان، حقوقی که مردان طبقات میانه و بالا از آن بهره‌مند بودند. حق رأی، اشتغال در سازمان‌های عمومی، حق مالکیت و به خصوص حق ورود به پوهنتون‌ها. باگذشت زمان در اواخر قرن نوزدهم، آنان نسبت به مادران کارگر نیز توجهی کردند و کوشیدند تا ساعات کار آن‌ها را کوتاه‌تر و کار شبانه را به کلی برای شان ممنوع سازند. در سال ۱۹۲۰ خواست آغازین جنبش‌های زنان در جوامع صنعتی غربی تقریباً جامه عمل پوشید و جنبش‌های یادشده تقریباً از بین رفت. (آبوت، کلروالاس؛ ۱۳۸۰: ۴۶۰)

اسلام و حق اشتغال زنان

با توجه به آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان معلوم می‌شود، حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. تأیید حق مالکیت زنان بر اموال شان (للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن) (نساء: ۳۲) (برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ی است) مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است. از آیاتی چون: و ابتغوا من فضل الله، (از فضل خدا جويا شوید)، هو انشاءکم من الارض و استعمرکم فیها، (هو) (او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن گماشت) معلوم می‌شود این آیات به‌طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب (ع) پیامبر الهی ذکر شده که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند. بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم (ص) و صحابه در مشاغل گوناگون همچون: تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، خدمات خانه‌گی، اجاره‌املاک، تولید مواد خوشبوکننده، چوپانی، خیاطی و مانند آن‌ها به عنوان شغل درآمدزا مشغول بودند افزون بر این، کار از دیدگاه اسلام شامل همه فعالیت‌های مفیدی است که موجب ارتقای روحی، معنوی، اخلاقی و اقتصادی فرد و جامعه می‌شود. ارزش معنوی کار تا

حد جهاد فی سبیل الله ارتقاء بخشیده شده است؛ بنابراین بر حسب قواعد اولیه نیز از دیدگاه اسلام کارهای مجاز برای -زن- و -مرد- جایز می باشد؛ بلکه -مورد- توصیه -و- تأکید است. البته این جواز کلی با توجه به عناوین دیگر (مانند اختلاط نامحرم، کوتاهی از وظایف خانواده گوی و ...) می تواند حرمت یا کراهت داشته باشد.

ضوابط کلی اشتغال

از دیدگاه اسلام اشتغال صرفاً دارای اهداف اقتصادی نیست؛ بلکه به عنوان جزیی از یک نظام کلی اجتماعی است که در ضمن آن باید اهداف معنوی، اخلاقی و دینی فرد و جامعه در جهت تعالی و کمال تأمین گردد، ضوابط و معیارهایی به طور کلی برای اشتغال زنان و ضوابط ویژه‌ی هم برای اشتغال آن‌ها وضع نموده که برای تحکیم و اقتصاد خانواده نیز مدنظر بوده است؛ مانند حلال بودن درآمد حاصله از شغل. برخی موارد مانند استعانت از دنیا برای طاعات و عبادات و امور آخرت، میانه روی در طلب دنیا و تقدیر معیشت و قناعت و ... نیز به عنوان ضوابط و معیارهای استجابی و ترجیحی ذکر شده است.

عدم تعارض شغل زن با حقوق همسر

این معیار اختصاص به زنان متأهل دارد و در مورد دختران مجرد یا زنان بیوه مطرح نمی شود. ریاست شوهر بر خانواده، لزوم تمکین جنسی زن در مقابل مرد، اطاعت از شوهر و عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر از جمله حقوق شوهر است؛ به همین جهت در روایات همسر داری نیکو در حد جهاد برای زنان آمده: (جهاد المرأة حسن التبعل)؛ از این رو اشتغال زن در خارج از خانه و حتی در داخل خانه نباید منافات با این حقوق داشته باشد: (الرجال قوامون على النساء ... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله ...). (نساء: ۳۴)، (مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموال شان خرج می کنند؛ پس زنان درستکار فرمانبر دارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده اسرار شوهران خود را حفظ می کنند). (آراحمده؛ ۱۳۶۶: ۲۳).

چارچوب نظری

نظریات زیادی در رابطه به تقسیم کار جنسیتی بیان شده است از جمله میتوان بحث را در

مورد نظریه های فمینیستی در رابطه به تقسیم کار جنسیتی مد نظر گرفت. تمام فمینیست ها اعم از لیبرال موج اول، تا فمینیست های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم، بر این نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه های آن را در پندارهای مردسالارانه جوامع سنتی می دانند. افزون بر این که فمینیست های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال از سنت لیبرال موج اول فمینیسم که در آثار «بتی فریدان» ادامه یافته احساس رضایت نمی کردند. فمینیست های لیبرال برای مدتی بر فردیت زنان به عنوان تنها معضل اجتماعی لاینحل تأکید می کردند و از نابرابری نقش زنان در خانواده و تولید مثل و باز تولید بین نسلی غافل مانده بودند. جامعه شناسی فمینیستی نیز جامعه شناسی است که با برتری مردان که نابرابری زنان را نهاده می سازد مخالفت و مقابله می کند و مشخصه بارز فمینیسم این نظر است که فرودستی زنان باید مورد تردید و اعتراض قرار گیرد. در مجموع فمینیست ها بر نکات ذیل در خصوص اشتغال زنان تأکید می کنند:

الف: تقسیم کار جنسیتی ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت های طبیعی دو جنس ندارد؛ یعنی شغل ها مهر مردانه یا زنانه می خورند.

ب: نان آور بودن مردان و تیمارداری زنان به طور اختصاصی هیچ دلیل موجهی ندارد و کاملاً ممکن است زن و مرد را به یک اندازه در تأمین معاش خانواده و انجام کارهای خانه و بچه داری مسؤول دانست.

ج: خانه داری، کارگری رایگان و بدون دستمزد است؛ در حالی که خانه داری نیز کار واقعی است و باید از همین وجه به آن نگریست. خانه داری کار سخت و طاقت فرسا است (به طور میانگین ۷۷ ساعت در هفته) و باوری که زن خانه دار را «ضعیفه» تلقی می کند، از آنجا سرچشمه گرفته که کارهای خانه پنهان از دید عموم و بدون چشم داشت مادی و اغلب فقط از روی عشق و علاقه انجام می شود. فمینیست های رادیکال معتقدند مردان از کار رایگان زن در عرصه خانه سود می برند؛ به همین دلیل به شدت به حفظ تقسیم کار جنسی علاقه مندند و با قوانین تساوی و فرصت های شغلی به مقابله برمی خیزند.

د: توجیه تفاوت دستمزد مردان و زنان بر این اساس است که مردان بیش از زنان به کارهای

تخصصی می‌پردازند؛ ولی فمینیست‌ها مثل فیلیس و تایلور (۱۹۸۰م) و کوپل (۱۹۸۴م) مدعی‌اند که تخصص مقوله‌ی ساخته و پرداخته اجتماع است.

هـ: تحقیقات فمینیستی (آنجلا کوپل: ۱۹۸۴م) با مخالفت با دیدگاه سنتی که شخصیت و منزلت اصلی زن در نقش همسری و مادری است و زنان همیشه می‌توانند به نقش خانگی اولیه خود باز گردند؛ معتقد است، کار و هویت شغلی در زنده گی بسیاری از زنان نقش عمده‌ی بازی می‌کند و پولی که به دست می‌آورند، ضروری است. تقسیم کار جنسیتی نیز انتخاب طبیعی است که در طول تاریخ پیوسته وجود داشته و هم اکنون نیز آثار آن در مطالعات مردم‌شناسی و جوامع ابتدایی و تا حدودی در جوامع پیشرفته موجود می‌باشد، مطالعات مردوک فعالیت‌های اقتصادی زنان و مردان را اینگونه ترسیم می‌کند: در ۷۵ درصد از ۲۲۴ قبیله سراسر دنیا چنین بوده است که مردان به کارهایی مثل گله‌بانی، صید ماهی، بریدن درختان، تله‌گذاری، کار در معادن، شکار، جنگ و ... می‌پرداخته‌اند و اما زنان به اموری مانند آسیاب دانه‌ها، آب‌کشی، آشپزی، جمع‌آوری مواد سوختی و محصولات گیاهی، دوختن، بافتن لباس، تهیه ظروف سفالی و غیر آن‌ها مصروف بودند.

(دورکیم؛ ۱۳۶۸: ۵۸). آدام اسمیت و فردریک تایلور بر تقسیم کار و سازماندهی تولید صنعتی تأکید کرده‌اند که تأثیر فراگیری بر شکل کنونی مشاغل داشته است. بنابر نظر مارکس تقسیم کار، انسان‌ها را از کارشان بیگانه می‌کند و به وظایف خسته کننده و ملال‌آوری تقلیل می‌دهد. همان‌طوری که برای همه آشکار است قبل از شهرنشینی اکثر زنان وظایف گوناگونی را چون مراقبت کودکان و کارهای خانه انجام می‌دادند، وظایف زنان اغلب هماهنگی نزدیکی با وظایف مردان داشت و خانه واحد تولیدی بیگانه‌ی را تشکیل می‌داد. با پیدایش و توسعه محل‌های کار و جدا از خانه، تولید نیز از مصرف جدا گردید و بانوی خانه یک مصرف‌کننده شد؛ یعنی کسی که کار نمی‌کند و فعالیت تولیدی او (کار خانگی) از نظر پنهان است. طوری که ما شاهد تاریخ بودیم بین دو جنگ جهانی تعداد زنان خانه دار زیاد شد و برای زنان غیرمتاهل معمول بود که شاغل مزد بگیر باشند. اکثریت زنان متأهل در آن زمان کار نمی‌کردند. در هر دو جنگ جهانی زنان به نوع تشویق به اشتغال شدند تا جای مردانی را که به

نیروهای مسلح پیوسته بودند و درگیر جنگ بودند بگیرند. پس از جنگ جهانی اول آن‌ها اخراج شدند؛ اما بعد از پایان جنگ دوم جهانی رشد اشتغال زنان با گسترش مشاغل خدماتی زیاد شد.

پارسونز، متفکر پیش‌رو کار، به نقش خانواده در جوامع صنعتی پرداخته است. او مخصوصاً به اجتماعی شدن کودکان توجه داشت و معتقد بود که خانواده‌های مستحکم و حمایتگر، کلید اجتماعی شدن موفقیت‌آمیز هستند. از دید او بیشترین بازده و کارایی خانواده، هنگامی است که تقسیم جنسی کار به صورت شفاف و واضح چنان باشد، که زنان، نقش‌های عاطفی، یعنی تأمین مراقبت و امنیت برای کودکان و حمایت عاطفی از آن‌ها را به همراه داشته باشند؛ از طرف دیگر، مردان باید نقش‌های ابزاری را برعهده داشته باشند؛ یعنی نان‌آور خانه باشند. از آن جا که نقش‌های ابزاری مردان سرشار از تنش و فشار است، کیفیات عاطفی و مراقبتی زنان باید برای پشتگرمی و آسایش مردان نیز به کار رود. این تقسیم کار تکمیلی که از تمایز زیست‌شناختی بین دو جنس سرچشمه می‌گیرد، انسجام و استحکام خانواده را تضمین می‌کند (گیدنز؛ ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶) در نظریه نیازهای سرمایه داری و تقسیم کار جنسیتی میشل بارت نظری دارد که می‌گوید در تحلیل مارکسیستی فمینیستی از تقسیم کار جنسیتی در خانه، بر ایدیولوژی خانواده گرایی و تأثیر نظام سرمایه داری بر تقویت و رواج آن تأکید کرده است. به گفته وی، بر حسب این ایدیولوژی، خانواده هسته‌ای به طور طبیعی بنیان می‌گیرد و جهان شمول است و تقسیم کار طبیعی را مشخص می‌سازد، تقسیم کاری که مرد را تأمین‌کننده امکانات اقتصادی و زن را تیماردار و تأمین‌کننده کار بی‌مزد خانگی می‌داند. البته این نوع نظام خانواده گوی جنبه‌گرایناپذیری از نظام سرمایه داری نبود؛ اما از درون روند تاریخی پدیدار گشت که طی آن، ایدیولوژی مزبور به روابط تولیدی سرمایه داری راه یافت. این ایدیولوژی تا اندازه‌ای از دیدگاه‌های پیش از سرمایه داری در باره جایگاه زن ناشی شده بود؛ اما علت گسترش آن تناسب بیشترش با اوضاع و شرایط سرمایه داری بود. نظام خانواده یا خانوار در میانه قرن نوزدهم و در نتیجه پیوند اتحادیه‌های صنفی کارگری و سرمایه داران تثبیت شد؛ زیرا هر دو گروه معتقد بودند که زنان را باید از نیروی کار

کنار کرد. (تیم دیلینی؛ ۱۳۸۷: ۵۴).

نتیجه گیری

تقسیم کار جنسیتی بیانگر شیوه تقسیم مسؤولیت‌ها در میان اعضای یک جامعه است صرف نظر از در صد زنان در نیروی کار با مزد زنان هنوز هم بار اصلی کار بی مزد را بر دوش دارند که عموماً شامل نگهداری از خانه و پرورش کودکان است که از صحنه آن خارج بوده و در محیط خانه به خانه داری مشغول هستند. در گذشته سنت نسبت به امروز تصویری بارزتر و روشن تری داشته و فعالیت‌های اقتصادی نقش پررنگ تری را در تقسیم کار جنسیتی بازی نموده است. این پدیده نه تنها تمایزات شغلی را سبب شده؛ بلکه نا برابری‌های جنسیتی را در حوزه کار وارد ساخته مسبب بسیاری از معضلات نسبتاً پنهان شده است. این تقسیم کار نیز ریشه ناگسستی با فعالیت‌ها و کارکردهای انسان دارد؛ طوری که در جوامع ابتدایی نیز نوعی تقسیم کار وجود داشت؛ چنانچه زن‌ها مشغول کارهای نسبتاً سبک و درونی مانند کار خانه، جمع آوری مواد غذایی، کار در زمین‌های کشاورزی و مردها مصروف کارهای نسبتاً سنگین و بیرونی مانند شکار، مواظبت از خانواده و غیره بودند. این پدیده تاریخی برحوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی خانواده گوی تأثیرات مثبت و منفی به جای گذاشته است. بعد از گذشت زمان، مشارکت زنان در نیروی کارمزدبگیر به صورت کم بیش پیوسته‌ی افزایش یافته است. ی‌کی از عوامل عمده این تحول، کمبود نیروی کار در جریان جنگ جهانی اول بود. در سال‌های جنگ، زنان شغل‌های زیادی را بر عهده داشتند که پیش از آن قلمرو انحصاری مردان دانسته می‌شد که خود جنگ باعث شود که زنان بتوانند استعداد خود را نشان دهند و تا جایی را برای خود در کار پیدا کنند نظریات زیادی در باره تقسیم کار جنسیتی وجود دارد.

منابع

- ۱- آبوت، پاملا. (۱۳۹۲). **نقد جنس دوم**. ترجمه هشام نادیه. فصل نامه علوم اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۲.
- ۲- آبوت پاملا. (۱۳۸۰). **جامعه شناسی زنان**. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشرنی.

- ۳- آبوت پاملا و کلروالاس. (۱۳۸۰). **جامعه شناسی**. ترجمه منیژه عراقی. تهران: نشرنی.
- ۴- آراحمد. (۱۳۶۶). **علم در اسلام**. تهران: نشر سروش.
- ۵- آبوت، پاملا والاس. (۱۳۹۸). **جامعه شناسی زنان**. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر قدس.
- ۶- پاتریک نولان، گرهارد لنسکی. (۱۳۸۰). **جامعه های انسانی**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشرنی.
- ۷- تیم دیلینی. (۱۳۸۷). **نظریه های کلاسیک جامعه شناسی**. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشرنی.
- ۸- خدیجه سفری و سارا ایمانیان. (۱۳۹۲). **جامعه شناسی جنسیت**. تهران: چاپ دوم.
- ۹- دورکیم. (۱۳۶۸). **قواعد روش جامعه شناسی**. ترجمه علمی محمد کاردان. تهران: نشر طلوعی.
- ۱۰- گیدنز، آنتون. (۱۳۸۵). **جامعه شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشرنی.